

## چالش‌ها و فرصت‌های روابط فیما بین ایران و گرجستان

علیرضا دادمان<sup>۱</sup>

### چکیده

جمهوری اسلامی ایران نیز مانند بسیاری از کشورها، پس از فروپاشی شوروی و اعلام استقلال جمهوری‌های آن از جمله گرجستان، حاکمیت و استقلال گرجستان را به رسمیت شناخت. از زمان فروپاشی شوروی و اعلام استقلال گرجستان، روابط تهران-تفلیس معمولاً در سطح مطلوبی قرار داشته است. در واقع، به‌رغم وجود برخی فرصت‌ها برای ارتقای سطح روابط دو کشور، عوامل چالش‌زا عملاً محدودیت فراروی روابط تهران و تفلیس را افزایش داده است. این پژوهش با اشاره‌ای کوتاه به پیشینه روابط ایران و گرجستان، فرصت‌ها و چالش‌های روابط بین دو کشور را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. از این‌رو سوال اصلی در این مقاله آن است که مهمترین عوامل تاثیرگذار ایجاد چالش‌ها و فرصت‌ها در روابط میان ایران و گرجستان کدام است؟ فرضیه و پاسخ احتمالی نیز این است که رویکرد امنیت‌محور سیاست خارجی ایران و رویکرد غرب‌گرای سیاست خارجی گرجستان چالش اصلی روابط بین دو کشور می‌باشد. از نتایج تحقیق این است که عواملی مانند برخورداری از اشتراکات تاریخی و فرهنگی و وجود پتانسیل‌های موجود برای همکاری‌های اقتصادی بعنوان محرکی برای گسترش روابط دو طرف به حساب می‌آید. اما در عین حال این روابط با موانع و عوامل بازدارنده‌ای از قبیل: رویکرد غرب‌محور گرجستان، رابطه ناتو و گرجستان، روابط با رژیم اسرائیل و آمریکا و پیوستن به ناتو و ... از جانب گرجستان روبرو است. این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است.

**واژگان کلیدی:** ایران، گرجستان، روابط سیاسی، چالش، فرصت

---

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد علوم سیاسی alirezadadman@yahoo.com

## مقدمه

قفقاز جنوبی یکی از مهمترین گذرگاه‌های شمال به جنوب اوراسیا است این حوزه جغرافیایی، از شمال به رشته‌کوه‌های قفقاز بزرگ، از شرق به دریای خزر، از جنوب به ایران، از جنوب غربی به ترکیه و از غرب به دریای سیاه متصل است. قفقاز جنوبی در حال حاضر به سه جمهوری مستقل به نام‌های آذربایجان در جنوب شرقی و شرق، ارمنستان در جنوب غربی و جنوب و گرجستان در شمال غربی و غرب آن، تقسیم شده است (بزرگمهری و طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۱۳). جمهوری گرجستان از شمال با روسیه، از شرق با جمهوری آذربایجان، از جنوب با ارمنستان، از جنوب شرق با ترکیه و از غرب با دریای سیاه هم‌مرز است. گرجستان فاقد ذخایر استراتژیک نفت و گاز است و اقتصاد آن بر کشاورزی، گردشگری، معادن و صنایع مختلف استوار است. موقعیت جغرافیایی خاص این کشور و اتصال آن با دریای سیاه باعث شده که این کشور در معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه حائز اهمیت باشد. در حال حاضر گرجستان به سبب قرارگیری بین آذربایجان و ترکیه نقش حلقه ارتباطی را در زمینه انتقال ذخایر عظیم نفت و گاز از منطقه دریای خزر به غرب به عهده دارد و تحقق پروژه عظیم نفتی «باکو- تفلیس- جیحان» و پروژه انتقال گاز «باکو- تفلیس- ارزروم» باعث شده این کشور از دید کشورهای آذربایجان، ترکیه و شرکت‌های نفتی بریتانیا و آمریکا در درجه اهمیت بالایی قرار گیرد (احمدی لفورکی و میررضوی، ۱۳۸۳).

۹۶

گرجستان در مقایسه با جمهوری آذربایجان، در دوران جدید روابط گسترده‌ای با ایران نداشته است. شاید فقدان مرز مشترک میان ایران و گرجستان، یکی از علل روابط محدود بین دو کشور باشد. روابط دیپلماتیک ایران و گرجستان از بهار ۱۹۹۲ با امضای بیانیه‌ای در تفلیس بطور رسمی آغاز شد. با وجود غیراستراتژیک بودن روابط ایران و گرجستان، ادوارد شوارد نادره اولین رئیس جمهوری این کشور، ایران را برای اولین سفر خارجی خود برگزید و جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری بود که پس از استقلال گرجستان، سفارت خود را در تفلیس افتتاح کرد (کولایی، ۱۳۹۱: ۴۴۲). اما در این میان یکسری موانع اساسی نیز وجود داشت که در سردی روابط بین این دو کشور بسیار تأثیرگذار بود. با توجه به این مسئله، سوال اصلی در این مقاله آن است که عامل تأثیرگذار ایجاد چالش و فرصت بین روابط ایران و گرجستان کدام است؟ فرضیه و پاسخ احتمالی نیز این است که رویکرد امنیت‌محور سیاست خارجی ایران و رویکرد غرب‌گرای سیاست خارجی گرجستان چالش اصلی روابط بین دو کشور می‌باشد. این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است.

## مفاهیم و مبانی نظری

**فرصت:** فرصت از نظر لغوی به معنای وقت مناسب کاری، مجال و نوبت و به هر موقعیت سودمندی اطلاق می‌شود (غفاریان و کیانی، ۱۳۸۶: ۴۵). از نظر صاحب‌نظران مدیریت بحران، فرصت مجموعه شرایط و زمینه‌هایی را شامل می‌شود که باعث دستیابی به اهداف سیاست خارجی می‌گردد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۹).

**چالش:** تعریف لغوی چالش در فرهنگ لغت فارسی معین به معنی رفتار از روی کبر و غرور، جولان و در فرهنگ دهخدا به معنای زد و خورد، جدال و تلاش آمده است (دهخدا، ۱۳۶۳: ۵۴۱).

سیاست خارجی یک کشور شامل رویه‌های گفتمانی و غیرگفتمانی آن، نقش تعیین کننده‌ای در جایگاه آن کشور در نظام بین‌الملل و الگوهای دوستی و دشمنی با آن دارد. از سوی دیگر، تصمیم‌گیری کنش‌گران در سیاست بین‌الملل بر این اساس است که جهان را چگونه تفسیر کرده و نقش خود را در آن چگونه تلقی می‌کنند. بطور کلی می‌توان گفت نظریه روابط بین‌الملل حوزه‌ای است که با عمل سیاسی در ارتباط است، لذا هر دوی آنها دو روی یک سکه هستند. اعتقاد رهیافت سازه‌نگاری در حوزه سیاست خارجی این است و تلقی کشورها از توزیع «تصور»، (که فراسوی توزیع عینی قدرت) تصور خردگرایان قدرت دیگران قرار دارد، این تصورات برآمده از تصور یک ملت است که آنها را قادر به تعامل با محیط می‌کند. هویت به ملت‌ها اجازه می‌دهد که جهان را معنادار کند «به خود» دسته‌بندی موجودیت‌های دیگر اقدام کنند و واقعیتی سلسله مراتبی بسازند که از آن به دوست و دشمن تعریف شده است، این جهان ساخته شده که دارای «دیگری» و دلالت‌های ارزش است، اقدامات آنها را نیز شکل می‌دهند. دولت نیز که برساخته اجتماعی است در این ذهنیت جمعی مشارکت دارد و جهان را در این چارچوب درک می‌کند، دوستان، دشمنان، منافع، مطلوبیت‌ها و تهدیدها را تعریف می‌کند و کنش‌های خارجی خود را شکل می‌دهد. در سایه این تعاریف است که دولت‌ها و ملت‌ها، وضعیت موجود نظام بین‌الملل را می‌یابند، کشورهای دیگر در مقام دوست، دشمن و بیطرف «غیرقابل تحمل» یا «قابل تحمل» تلقی خواهد شد.

نظریه سازه‌نگاری تلاشی برای رسیدن به راه میانه در روابط بین‌الملل است. با توجه به تاکید جمهوری اسلامی ایران بر ارزش‌ها و هنجارها در سیاست خارجی، به نظر می‌رسد رهیافت سازه‌نگاری برای تجزیه و تحلیل روابط خارجی ایران قابلیت بیشتری دارد. از آنجا که هویت دولت‌ها، با تغییر در ارزش‌ها و هنجارها تغییر می‌یابد، منافع کشورها و در نتیجه سیاست خارجی آنها هرگز نمی‌تواند موضوعی ثابت و پایدار تلقی شود (ونت، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

### نگاهی به روابط ایران و گرجستان پس از فروپاشی شوروی

همانطور که در تاریخ دیده می‌شود، به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب گرجستان، ایران همیشه منافعی را نسبت به این کشور قفقاز جنوبی داشته است. کنترل گرفتن بر گرجستان فرصتی برای برقراری ارتباط با مسلمانان قفقاز شمالی، همچنین دستیابی به نفوذ در کشوری که در تقاطع اروپا و آسیا قرار دارد برای ایران به وجود می‌آورد (Chitadze, 2012: 8).

حکومت‌های روی کار آمده در ایران، همیشه منطقه قفقاز جنوبی را جزئی از قلمرو خود می‌دانستند؛ اما این منطقه پس از معاهده گلستان در تاریخ ۳ آبان ۱۱۹۲ و عهدنامه ترکمانچای، در ۳۰ اسفند ۱۲۰۶ از جغرافیای ایران جدا شد با اینکه معاهده اخیر به جنگ‌های ایران و روسیه در دوره قاجار پایان داد اما دست ایران را تا نزدیک ۲۰۰ سال از هرگونه ایفای نقش در این منطقه کوتاه کرد. طی دو قرن اخیر امپراتوری روسیه و جانشین آن - اتحاد جماهیر شوروی - عمده‌ترین تهدید نسبت به امنیت و تمامیت ارضی ایران محسوب می‌شدند (بزرگمهری و طباطبایی، پیشین: ۱۲۰).

حوزه ژئوپولیتیک قفقاز در دوره‌های تاریخی بین امپراطوری‌های ایران، روسیه و عثمانی دست به دست شده که خاطرات مردم قفقاز از ایران و ترکیه زیاد مطلوب نیست زیرا حوادث تاریخی مانند کشتار ارامنه توسط ترکیه و تصرف گرجستان توسط شاه عباس ذهنیت مناسبی از ایران در این حوزه نساخته است. و روسیه نیز ۹۸  
خاطره هفتاد سال حکومت همراه با رعب و وحشت را در منطقه تداعی می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد نزدیکی ایران و ارمنستان به دلیل جنگ قره‌باغ و دوری از آذربایجان به دلیل منافع اقتصادی خزر و دوری از گرجستان به دلیل گرایشات شدید غربی و عدم حمایت در جنگ گرجستان مسجل است (الماسی و عزتی، ۱۳۸۹: ۴۰).

در سال ۱۸۰۱، پس از ضمیمه گرجستان توسط امپراطوری روسیه، ایران کنترل بر گرجستان را از دست داد. اما امروزه مقامات ایرانی واقع‌بینانه وضعیت موجود را نسبت به گرجستان ارزیابی می‌کنند و سعی می‌کنند روابط طبیعی با گرجستان را حفظ کنند. یکی از دلایل اصلی استفاده از قلمرو گرجستان و به ویژه بنادر گرجستان، بهره‌مندی از صادرات محصولات ایران است و به همین دلیل در اجرای عملیات تجارت خارجی مشارکت می‌کند. خیلی زود پس از بازسازی استقلال ملی، در سال ۱۹۹۵، رئیس‌جمهور سابق ایران، هاشمی رفسنجانی، به مدت سه روز از گرجستان دیدار کرد، زمانی که پس از دیدار با رئیس‌جمهور سابق گرجستان به گرجستان سفر کرد تا عملکرد بنادر را مشاهده کند (Chitadze, Ibid: 8).

فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ و اعلام استقلال ۱۵ جمهوری جدید، فرصتی را فراروی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای حضور در کشورهای تازه استقلال یافته فراهم کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز بعنوان یکی از قدرت‌های تأثیرگذار منطقه‌ای تلاش کرد تا از این فرصت به وجود آمده استفاده کند و با

برقراری روابطی دوستانه نفوذ خود را افزایش دهد. در همین راستا توسعه روابط با گرجستان بعنوان یکی از کشورهای تازه استقلال یافته در دستور کار جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. به دلیل ماهیت تحولات در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی و رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای حضور بیشتر در این منطقه، تحولات در درون گرجستان نیز بسیار متحول، مستمر و پویا بود. به همین دلیل روابط جمهوری اسلامی ایران با گرجستان نیز با تغییر و تحولات گسترده‌ای همراه بوده است (امیراحمدیان و عسگری، ۱۳۹۱: ۳).

گرجیان با ایرانیان پیوندی دیرین دارند. تشابهات فرهنگ و سنن دو ملت و مناسبات عمیق فرهنگی و ادبی مردمان این دو خطه، پیوند فرهنگ و زبان فارسی و تأثیرگذاری عمیق آن را بر ادبیات و فرهنگ گرجی در پی داشته است. گرجستان تنها کشور قفقاز جنوبی است که ایران در آن هم سفارتخانه و هم کنسولگری دارد و این کشور مقصدی محبوب برای گردشگری ایرانیان است (Amanda, 2015: 57). البته باید بیان داشت که گرجستان مرز مشترکی با ایران ندارد و حداقل توسعه روابط با ایران را در میان کشورهای قفقاز جنوبی داشته است (Sadeghzadeh, 2008: 5). برای گرجستان ایران در درجه اول بعنوان برگ برنده‌ای در روابط با غرب و روسیه حائز اهمیت است و علیرغم توافق سال ۲۰۱۰ که رژیم ویزا را بین ایران و گرجستان برقرار نمود، پیوندهای سیاسی و اقتصادی میان دو کشور محدود است (Mankoff, 2012: 13).

جنگ بین گرجستان و روسیه فصل جدیدی از همکاری دوجانبه میان ایران و گرجستان را آغاز کرد. ۹۹ گرجستان به شدت به دنبال راهی برای خروج از وابستگی سیاسی خود به روسیه است و ایران می‌تواند نقش مثبتی در این زمینه ایفا کند. برای مثال، در سال ۲۰۰۶، مسکو تحریم‌های سنگین اقتصادی علیه گرجستان اعمال کرد و با قطع ارتباطات حمل و نقل، اعلام کرد که قیمت فعلی گاز برای گرجستان را از ۱۱۰ تا ۲۳۰ دلار افزایش خواهد داد (Chitadze, Ibid: 8).

گرجستان تنها کشور قفقاز جنوبی است که با ایران مرز مشترک ندارد. پس از استقلال گرجستان، دو کشور روابط کامل دیپلماتی با یکدیگر برقرار کردند، اما روابط گرجستان با ایران محدود بوده است. جهت‌گیری غرب‌گرایانه یا پس از استقلال گرجستان، مانع از این شد که سیاست‌گذاران ایران این کشور را بعنوان یک متحد مورد توجه قرار دهند. اما متمایل شدن تدریجی شواردنازه به سمت مسکو، به معنای امکان برقراری روابط دوجانبه میان دو کشور بود (عطایی، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

گرجستان و جمهوری اسلامی ایران ۴۷ معاهده دوجانبه را امضا کرده‌اند که از جمله مهمترین آنها عبارتند از:

الف) توافقنامه حمل و نقل هوایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری گرجستان؛

ب) توافقنامه توسعه و حفاظت سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری گرجستان و دولت جمهوری اسلامی ایران؛

ج) توافقنامه بین دولت گرجستان و دولت جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از مالیات دوگانه و جلوگیری از تخفیف مالی در مورد مالیات بر درآمد و سرمایه؛

د) مصوبات همکاری اقتصادی، تجارت، علمی و فنی بین جمهوری گرجستان و جمهوری اسلامی ایران؛  
ه) توافقنامه همکاری تجاری بین دولت گرجستان و دولت جمهوری اسلامی ایران (Chitadze, Ibid: 9).  
گرجستان همواره بخشی از صفحه معادلات ژئوپلیتیک قفقاز و دریای سیاه بوده که باتوجه به تاثیرگذاری در قفقاز جنوبی و رقابت قدرت‌های گوناگون در این منطقه، همواره پیش و پس از شوروی، مورد توجه بازیگران قدرتمند بوده است. در اصل ورود به قفقاز از اروپا از مسیر دریای سیاه که سواحل شرقی آن سراسر مرزهای غربی گرجستان را تشکیل می‌دهد، انجام می‌گیرد. ایران و گرجستان چالش‌های ژئوپلیتیکی شبیه به هم دارند. هر دو کشور همسایه روسیه هستند. با این حال در منافع تاکتیکی و میان مدت ایران و گرجستان دوگانگی پدیدار شده است. آمریکا پس از افغانستان و عراق، به سوی آسیای مرکزی و قفقاز و به ویژه گرجستان و حوزه دریای سیاه توجه بیشتری نشان داده است. این رویکرد آمریکا در ادامه توسعه ناتو به سوی شرق، زمینه همراهی سیاست‌های ایران با روسیه در برابر گرجستان را در پی داشته است. در مقایسه با دو کشور دیگر قفقاز جنوبی، گرجستان پس از استقلال، روابط گسترده‌ای با ایران نداشته است. نبود مرز مشترک میان ایران و گرجستان، از عوامل ژئوپلیتیکی در محدود بودن روابط این دو کشور بوده است. در روابط ایران و گرجستان تاکنون جنبه اقتصادی بر دیگر جنبه‌ها ارجحیت داشته است. در این میان صدور گاز ایران به گرجستان یکی از محورهای اصلی روابط اقتصادی دو کشور بوده است.

با تصمیم مقامات تهران، در ژانویه ۲۰۰۶ واردات گاز طبیعی از ایران به گرجستان انجام شد. ایران بعنوان یکی از قدرت‌های منطقه‌ای در قفقاز جنوبی، توانایی تامین گاز گرجستان و وارد کننده جایگزین انرژی برای گرجستان را دارد. روابط اقتصادی قوی با جمهوری اسلامی می‌تواند به تفلیس برای تسهیل تجارت خود کمک کند. تهران مشتاق پیدا کردن یک مشتری جدید برای صادرات انرژی و گسترش روابط اقتصادی خود است. پس از درگیری بین مسکو و تفلیس، گرجستان اعلام کرد که گاز ایران و آذربایجان می‌تواند بطور کامل جایگزین گاز روسیه شود (در حال حاضر گرجستان گاز را از آذربایجان واردات می‌کند). علاوه بر این، ایران و گرجستان موافقت کردند که برق را از طریق ارمنستان مبادله کنند (Amanda, Ibid: 57).

امضای موافقتنامه‌ای میان تهران و تفلیس برای لغو روادید میان دو کشور به تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۱۰، نشان دهنده نزدیک شدن روابط بین ایران و گرجستان است. طبق این سند، شهروندان دو کشور می‌توانند بدون دریافت ویزا تا ۴۵ روز در خاک کشور دیگر بمانند. همچنین سرکنسول‌گری ایران در باتومی افتتاح شده و ارتباط هوایی مستقیم بین تفلیس و تهران که در سال ۲۰۰۰ قطع شد، از سر گرفته شده است. در این میان، نه تنها تلاش برای افزایش دو برابر و نیم تعداد گردشگران ایرانی در گرجستان و انتظار سرمایه‌گذاری‌های

ایرانی در اقتصاد این کشور، بلکه امتناع عملی ایران از شناسایی استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی، تیره شدن روابط بین تهران و مسکو و سکونت اقلیت قابل ملاحظه‌ای گرجی در جمهوری اسلامی ایران، عوامل اساسی لغو روابط بین دو کشور از طرف گرجستان بوده‌اند.

طرف ایرانی از این طریق سعی می‌کند انزوای فزاینده سیاسی و اقتصادی خود را کاهش دهد، نفوذ خود را در قفقاز جنوبی گسترش داده و از حمله آمریکا (ناتو) از خاک گرجستان به خود ممانعت به عمل آورد. ولی تبادلات بازرگانی ایرانی گرجی مانند سابق ناچیز است (میزان صادرات ایران به گرجستان کمتر از ۱ درصد کل واردات این کشور را تشکیل می‌دهد) که همین امر مانع از برقراری ثبات در روابط دوجانبه می‌شود. فقدان مرزهای مشترک و حفظ تفاوت‌های مهم فرهنگی، مذهبی و زبانی هم باید در نظر گرفته شود. این را نیز باید در نظر داشت که ایالات متحده که تکیه‌گاه اساسی نظامی، مالی و سیاسی رژیم فعلی گرجستان است، از توسعه این روابط ممانعت کرده و خواهد کرد.

ایران به دلایل مختلف تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حتی بعد از فروپاشی اتحاد شوروی نتوانسته نفوذ خود را در قفقاز جنوبی گسترش داده و مانند روسیه و ترکیه در این منطقه بعنوان قدرت منطقه‌ای شناخته شود. عوامل مختلفی در این ناکامی دخیل بوده‌اند که از جمله مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱) رویارویی تهران با غرب که به اعمال تحریم‌های بین‌المللی و یکجانبه (از سوی آمریکا) علیه ۱۰۱ تهران منجر شده و همین امر شرایط توسعه همکاری اقتصادی و سیاسی ایران با کشورهای قفقاز جنوبی را دشوار کرده است؛ ۲) فقدان متحدان پایدار برای ایران در قفقاز جنوبی (همان، ۱۳۸۹).

بطور کلی می‌توان گفت که در سال‌های پس از استقلال گرجستان، روابط این کشور با ایران با توجه به نبود مرز مشترک میان دو کشور و نیز سوگیری غربی در سیاست خارجی گرجستان و عوامل دیگر از سیر صعودی برخوردار نبوده است. اما به هر روی این کشور نیز زمانی جزء حوزه تمدنی ایران قرار داشته و علیرغم عدم شباهت در مذهب میان دو کشور ایران و گرجستان، اشتراکات تاریخی-تمدنی و فرهنگی میان دو کشور از دیرباز وجود داشته و همین امر باعث شده تا ایران همواره به گرجستان بعنوان یکی از مقاصد مهم برای بهره‌مندی از فرصت‌های فرهنگی فیما بین و بسط آن به حوزه‌های دیگر بنگرد. اما شاید بتوان موثرترین بازیگر در حوزه دیپلماسی فرهنگی و اعمال قدرت نرم در گرجستان را ایالات متحده آمریکا دانست که از ظرفیت‌های بسیاری در این حوزه برخوردار است. براساس تحلیل اندیشه‌های والرش‌تاین، ایالات متحده بعنوان مرکز در درون نظام جهانی قادر است تا بواسطه جهانی کردن فرهنگ و ارزش‌های خویش، به اعمال قدرت اقتصادی خویش نیز نائل آید؛ در اصل فرهنگ ابزاری برای دستیابی به اهداف اقتصادی مرکز است و در همین راستاست که استفاده از قدرت نرم جایگاهی محوری در سیاست خارجی مرکز می‌یابد. باید گفت که از زمان فروپاشی

شوروی، آمریکا با توانایی‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی در مناطق تازه استقلال یافته نقش آفرینی نموده و به ویژه بر ساختارها، نظام رفتاری و انگیزشی ملت‌های منطقه غلبه یافت. در منطقه قفقاز این نقش در گرجستان ملموس‌تر بوده است و یکی از شیوه‌های اعمال قدرت نرم آمریکا در این کشور، حمایت از روند دموکراسی‌سازی در این کشور بوده است. در اصل در سیاست‌های بین‌المللی آمریکا، دموکراسی‌سازی جهانی، بحث در مورد اهداف سیاست خارجی‌اش را مشخص می‌نماید (Grincheva, 2015: 138). این شیوه در گرجستان نیز پس از استقلال پیگیری شد و انقلاب سال ۲۰۰۳ در این کشور در این راستا قابل ارزیابی است. پس از انقلاب رز، گرجستان تقریباً به مرکز تمامی اولویت‌های آمریکا در منطقه تبدیل شد و برنامه ارتقای دموکراسی واشنگتن در قفقاز جنوبی تمرکز بیشتری بر گرجستان نمود (Boonstra, 2015: 11).

### نگاه جمهوری اسلامی ایران به روابط با گرجستان

جمهوری اسلامی ایران نیز مانند بسیاری از کشورها پس از فروپاشی شوروی و اعلام استقلال جمهوری‌های سابق این کشور از جمله گرجستان، حاکمیت و استقلال گرجستان را به رسمیت شناخت. این دو کشور اگرچه دارای ریشه‌های مشترک عمیق و تاریخی بودند اما همکاری میان آنها موجب تحکیم و تقویت امنیت منطقه و پیش‌زمینه مناسبی برای توسعه می‌شود. جمهوری اسلامی ایران از استقلال و تمامیت ارضی گرجستان دفاع و حمایت می‌کند و آماده هرگونه همکاری در زمینه‌های مختلف با این کشور است. بطور کلی چشم‌انداز روابط دو کشور بسیار گسترده و روشن است زیرا گرجستان نقش یک پل ارتباطی میان شرق و غرب را ایفا می‌کند و از جایگاه مهمی در منطقه برخوردار است. همچنین گرجستان و ایران جهت گسترش همکاری‌های خود در زمینه‌های بازرگانی، اقتصادی، ارتباطات و مخابرات و مبارزه با مواد مخدر در تلاش‌اند (احمدی لفورکی و میررضوی، پیشین: ۵۶۴).

از مزیت‌های تجارت در گرجستان می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: الف) قوانین راحت تجارت در گرجستان از جمله قانون حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و قانون ایجاد منطقه آزاد تجاری (به صورتی که اگر طرحی به دولت اعلام شود که حداقل در ده هکتار زمین و ارزش سرمایه‌گذاری بیش از دو میلیون دلار باشد، دولت آن منطقه را بعنوان منطقه آزاد تجاری معرفی خواهد کرد) و غیره؛ ب) حق مالکیت صد در صد اتباع خارجی؛ ج) عضو WTO از سال ۲۰۰۴؛ ۴- عدم دریافت هیچگونه مالیات ارزش افزوده از صادرات؛ ۵- عدم دریافت هیچگونه تعرفه گمرکی بر روی صادرات و صادرات مجدد؛ ۶- انجام ثبت شرکت در مدت یک الی سه روز و به سهولت.

از دیگر فرصت‌های موجود در بازار گرجستان را می‌توان به شرح زیر برشمرد: جمعیت حدود ۵/۴ میلیونی؛ نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی؛ رشد سالیانه حدود ۳۹ درصدی واردات این کشور؛ واردات بخش اعظم کالاهای



مصرفی و سرمایه‌ای این کشور؛ اجرای طرح‌های توسعه شهری، راه‌سازی و صنعتی؛ اجرای طرح‌های ترانزیت انرژی؛ تقویت پول ملی این کشور در برابر دلار.

همچنین تهدیدات موجود در بازار گرجستان را می‌توان بدینگونه بیان کرد: امکان قاچاق کالا از مرزهای کنترل نشده از اوستیا و آبخازیا؛ تغییرات مداوم در قوانین به منظور تطبیق آنها با معیارهای جهانی که مشکلاتی را در اجرای آنها پدید آورده است؛ محدودیت در مشوق‌های دولتی برای شرکت‌های کوچک و متوسط؛ مناقشات جدایی‌طلبی در مناطق خودمختار آبخازیا و اوستیا که هر از چند گاهی موجبات تنش در روابط روسیه و گرجستان را فراهم نموده و نگرانی‌هایی در خصوص امکان استفاده از زور برای حل این مناقشات را مطرح می‌کند؛ فساد اداری، ارتش‌های و رانت - خواری به‌ویژه در سطوح متوسط و بالا از مهمترین موانع تجارت آزاد بوده که امکان رقابت آزاد را از بین می‌برد (اخلاقی و عباسی، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۱۰).

### نگاه جمهوری گرجستان به روابط با ایران

روابط ایران و گرجستان در ده سال گذشته علیرغم پستی و بلندی‌ها و ضعف و قوت‌هایی از شرایط خوبی را برخوردار بوده است. حتی ما شاهد بودیم که در دولت قبلی ایرانیان و گرجی‌ها بدون ویزا به کشور همدیگر سفر می‌کردند و می‌توان گفت که این موضوع نشان دهنده توسعه روابط بین دو کشور بود. ایرانیان بسیاری<sup>۱۰۳</sup> در گرجستان سرمایه‌گذاری کردند و فعالیت‌های اقتصادی انجام دادند و بالطبع یک توسعه روابط وجود داشت. باتوجه به تغییرات سیاسی که در گرجستان بود و انتخاباتی که در سال ۱۳۹۲ انجام گرفت و آقای مارکولاشویکی انتخاب شد، سیاست‌هایی براساس معیارهای روس انجام داد. ما می‌دانیم که دولت جدید گرجستان به نوعی نگاهی مثبت و روابطی مثبت نسبت به دولت روسیه دارد و بعنوان دولت طرفدار روسیه است، تا دولت قبلی که طرفدار امریکا و غرب بوده است. باتوجه به این موضوع از جولای ۲۰۱۳، روابط ویزای ایران لغو شد در این بین با وجود چالش‌های سال‌های گذشته با تلاش‌هایی که اخیراً انجام شده است، از ۲۶ بهمن لغو رواید انجام می‌شود و ایرانیان می‌توانند بدون ویزا به گرجستان سفر کنند. این امر می‌تواند در گردشگری، توسعه مناسبات توریستی و سرمایه‌گذاری سازنده باشد و کمکی برای توسعه اشتغال در گرجستان شود و دولت گرجستان از این موضوع استقبال کرده است (مومنی، ۱۳۹۴).

ایران و گرجستان در سده‌های گذشته تاریخ مشترکی را پشت سر گذاشته‌اند. باتوجه به اینکه در سده‌های گذشته فرهنگ ایرانی فراتر از مرزهای کنونی ایران بوده و کشورهای آسیای میانه و قفقاز را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است، گرجستان نیز از این امر مستثنی نبوده و تحت تأثیر فرهنگ و ادبیات ایران قرار داشته است (اخلاقی و عباسی، پیشین: ۴۵).

## فرصت‌های همکاری ایران و گرجستان

با وقوع انقلاب رز، جمهوری اسلامی ایران ضمن تاکید بر استقلال و تمامیت ارضی گرجستان خواستار حل مسالمت‌آمیز بحران گردید و پس از حل این بحران نیز از زمامداران جدید حمایت و استقبال نمود. شرکت هیات عالی رتبه ایران در مراسم تحلیف ریاست جمهوری گرجستان و دیدار با رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر این کشور در تغییر دیدگاه دولت‌مردان جدید با جمهوری اسلامی ایران بسیار موثر بود. انجام سفر آقای ساآکاشویلی و هیات همراه به تهران در تیر ماه ۱۳۸۳ شمسی و امضاء چند سند همکاری بین دو کشور نقطه عطفی در نگاه آینده روابط دو کشور به شمار رفت. در نیمه دوم سال ۱۳۸۵ در روابط دو کشور تحرک ایجاد شد که سفر وزیر امور خارجه گرجستان به ایران در این راستا قابل ذکر است. از سال ۱۳۸۴ لغایت ۸۷ نیز پس از یک وقفه سه ساله، پس از سفر معاون وزیر خارجه گرجستان و وزیر همگرایی این کشور به جمهوری اسلامی ایران مناسبات دو کشور از سر گرفته شد.

روابط اقتصادی و تجاری جمهوری اسلامی ایران با گرجستان از بدو استقلال این کشور آغاز شده و تاکنون موافقت‌نامه و یادداشت تفاهم همکاری بسیاری بین دو کشور به امضاء رسیده است. در جریان سفر ساآکاشویلی رئیس‌جمهور گرجستان و هیأت همراه به ایران یادداشت تفاهم اساس روابط متقابل و اصول همکاری‌های دو کشور، قرارداد بازرگانی، برنامه مبادلات فرهنگی، پروتکل الحاقی و قرارداد حمل و نقل هوایی و توافقنامه کمک توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران به گرجستان به امضاء رسید و مقرر گردید کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور پس از ۸ سال توقف مجدداً در سطح عالی برگزار گردد (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی).

جمهوری اسلامی ایران نیز به جهت نزدیکی جغرافیایی به گرجستان (۵۸۰ کیلومتر از مرز آستارا در ایران تا مرز پل سرخ در گرجستان و مجموع حدود ۶۳۰ کیلومتر از آستارا تا تفلیس)، فرهنگ و تاریخ مشترک و نگاه مثبت گرجی‌ها به شهروندان ایرانی، تولید تقریباً تمامی محصولات مصرفی گرجستان در ایران، وجود پایه‌های قانونی لازم از جمله امضاء موافقت‌نامه‌های متعدد همکاری، تشکیل اتحادیه تجار ایرانیان در تفلیس، حضور ایرانیان مقیم در این کشور و ... جایگاه خوبی در صادرات کالا به این کشور دارد. در مقابل وجود رقبای قوی از جمله ترکیه، روسیه، چین و آذربایجان، عدم حضور شرکت‌های قوی از بخش خصوصی ایران در این کشور، عدم انجام روش‌های علمی بازاریابی و تبلیغ، صدور کالاهای کم کیفیت ایرانی، نبود مرکز بازرگانی ایرانیان، مشکلات ایجاد شده از سوی جمهوری آذربایجان در مسیر ترانزیت کالا، نبود بانک ایرانی فعال در این کشور، عدم ارتباط بانک‌های ایرانی با بانک‌های گرجی، انتقال ارز از طریق کشور ثالث، عدم وجود پوشش بیمه‌ای مناسب از جمله موانع توسعه صادرات ایران به گرجستان است. توجه ویژه به رفع موانع مذکور می‌تواند جایگاه ایران را بعنوان صادرکننده مهم کالا به گرجستان تضمین و تقویت نمایند. با وجود موانع مذکور صادرات

ایران به گرجستان بطور مستمر رشد یافته و از رقم ۶/۹ میلیون دلار در سال ۱۹۹۷ به ۵۱/۷ میلیون دلار در سال ۲۰۰۷ رسیده است اما این رشد متناسب با رشد ۳۹ درصدی واردات گرجستان و همچنین ظرفیت‌های دو کشور نیست (همان، ۱۱۹).

### ۱- همکاری‌های اقتصادی ایران با گرجستان

روابط دوجانبه ایران با کشورهای قفقاز جنوبی، با وجود فراز و فرودها از آغاز دهه ۱۹۹۰ توسعه و تحکیم یافته است، علیرغم مخالفت‌ها و موانع ایجاد شده توسط آمریکا و نارضایتی اروپا، ایران موفق به برقراری، تقویت و تثبیت مناسبات متعارف و دوستانه با همسایگان شمالی خود شده است. با این وجود، روابط و همکاری ایران با کشورهای سه‌گانه قفقاز جنوبی باتوجه به اعتماد و اطمینان متقابل و منافع مشترک از عمق و گستردگی متفاوتی برخوردار بوده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۲۱). روابط ایران با گرجستان، علیرغم اهمیت راهبردی و اقتصادی آن برای ایران، از توسعه و تعمیق لازم برخوردار نبوده است. گرجستان دروازه ورود ایران به بازار انرژی اروپا به شمار می‌رود. بگونه‌ای که این کشور می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال و صادرات نفت و گاز ایران به اروپا و به تبع آن تامین انرژی آن ایفا نماید. ولی روابط ایران با گرجستان زیرسایه و تحت تاثیر روابط این کشور با روسیه و غرب توسعه نیافته باقی مانده است. سیاست‌های غرب‌گرایانه گرجستان از یک‌سو، و روابط متشنج با روسیه و وابستگی کامل آن به انرژی این کشور از سوی دیگر، مناسبات اقتصادی و مبادلات تجاری گرجستان با ایران را محدود و مقید ساخته است. با وجود این، با بروز تنش در روابط گرجستان و روسیه بر سر آبخازیا و اوستیایی جنوبی، گرجستان برای تامین انرژی مورد نیاز خود به ایران گرایش پیدا کرده است. بطوریکه در چارچوب سیاست نگاه به جنوب تلاش کرده است تا وابستگی تجاری و انرژی خود به روسیه را از طریق برقراری روابط نزدیکتر با ایران کاهش دهد. ایران نیز از گسترش روابط و همکاری با گرجستان در زمینه‌های تجاری، انرژی و حمل و نقل استقبال کرده است (همان، ۲۲۵).

### ۲- منابع انرژی (نفت و گاز)

گرجستان از منابع نفت و گاز ایران، تنوع بخشی به عرضه نفت و گاز خود، ایفای نقش مرکز ترانزیت یا ارائه خدمات بعنوان محل تولید صادرات با ارزش افزوده سود می‌برد. در آغاز سال ۲۰۱۶ وزیر انرژی گرجستان کاخا کالادزه با پیشنهاد خود مبنی بر اینکه امکان دارد گرجستان منابع گازی خود را متنوع سازد و مقداری گاز از ایران خریداری نماید جنجالی در رسانه‌ها به راه انداخت. این مورد براساس پیشنهادهای قبلی مقامات دولتی ایران مبنی بر این مسأله مطرح گردید که احتمال دارد ایران انتقال گاز خود به ارمنستان بعنوان مسیر ترانزیت به گرجستان را افزایش دهد. گرجستان برای تامین منابع گازی خود به شدت به جمهوری آذربایجان

وابسته است و درصد کمی از گاز خود را از روسیه وارد می‌کند. گرجستان از محل ترانزیت گاز ارسالی ایران به اروپا نیز می‌تواند درآمد کسب نماید. بهبود خط لوله کریدور جنوب در حال حاضر توسط شرکت بریتیش پترولیوم در کنسرسیومی شامل شرکت نفت آذربایجان صورت می‌گیرد. هدف خط لوله بهبود یافته، خط لوله قفقاز جنوبی، افزایش ظرفیت ترانزیت گاز در آذربایجان و گرجستان به سه برابر میزان فعلی است و هدف نهایی آن تأمین گاز اروپا از طریق خط لوله تاناب تحت مالکیت ترکیه- آذربایجان است. این خط لوله در اصل برای انتقال گاز آذربایجان از دریای خزر برنامه‌ریزی شده بود، اما ظرفیت آن برای ترانزیت از ظرفیت عرضه گاز جمهوری آذربایجان به مراتب بیشتر است. دو منبع به احتمال زیاد مورد نظر بعنوان عرضه کننده مکمل برای این خط لوله گاز، ایران و ترکمنستان هستند (جیجلاوا، ۱۳۹۶: ۶۹).

### ۳- صادرات کالا و خدمات

پس از نفت و گاز، محور بحث بعدی در مورد فرصت‌های ارائه شده از سوی ایران صنعت گردشگری است. پس از حذف روادید برای سفر از ایران به گرجستان در نوامبر ۲۰۱۰، تعداد گردشگران ایرانی در گرجستان بطور قابل توجهی افزایش یافت. اما با اجرای مجدد طرح ضرورت صدور روادید در سال ۲۰۱۳، تعداد گردشگران بطور چشمگیری کاهش یافت، لیکن پس از لغو مجدد روادید پس از امضای برجام در اوایل سال ۲۰۱۶، تعداد گردشگران، به سرعت افزایش یافت. از اهم اسناد مبادله شده این موارد قابل ذکر است: الف) موافقت‌نامه تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری متقابل؛ ب) موافقت‌نامه همکاری‌های بازرگانی؛ ج) موافقت‌نامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف؛ د) موافقت‌نامه همکاری در امور گمرکی. از مسائل و مشکلات نیز عبارتند از: الف) حمل و نقل و ترانزیت کالا؛ ب) اجرای صحیح قوانین گمرکی؛ ج) فقدان شعبه بانک‌های ایرانی در گرجستان؛ د) ایجاد بیمه مشترک جهت تضمین معاملات و جبران خسارات و بیمه کردن کالا مورد نقل و انتقال به خاک کشور طرفین؛ و ه) صدور ویزای تجار و صادرکنندگان و همچنین شرکت کنندگان در نمایشگاه.

۱۰۶

### ۴- زمینه‌های سیاسی همکاری

سفر ساکاشویلی به ایران در آغاز تابستان ۲۰۰۴ نقطه عطف روابط سیاسی ایران و گرجستان در دوره محمد خاتمی بود. مواضع دولت گرجستان در قبال پرونده هسته‌ای ایران، از موارد با اهمیت در روابط سیاسی دو کشور است. در زمستان ۲۰۰۳ وزیر امور خارجه گرجستان اعلام کرد که تفلیس می‌تواند به حل مشکلات بین‌المللی در مورد برنامه هسته‌ای ایران کمک کند. وی تأکید کرد که کشورش از اقدام نظامی آمریکا علیه ایران حمایت نخواهد کرد. چنین رویدادی می‌تواند هزاران نفر از اتباع گرجی را که در ایران به سر می‌برند، به مخاطره اندازد. رئیس‌جمهور گرجستان همچنین اجازه تفلیس به واشنگتن جهت استفاده از خاک

گرجستان برای حمله احتمالی به ایران را تکذیب کرد و گفت: «پیوستن گرجستان به ناتو به معنای آن نیست که این سازمان قادر به استقرار پایگاه‌های نظامی در خاک این کشور شود» (کولایی، پیشین: ۴۴۳).

### ۵- زمینه‌های فرهنگی همکاری

آموزش و ترویج زبان فارسی در گرجستان، یکی از محورهای عمده روابط فرهنگی ایران و گرجستان بوده است. اهمیت زبان فارسی در گرجستان ناشی از آن است که ۱۵ درصد زبان گرجی را لغات فارسی تشکیل می‌دهند. در زمینه روابط دانشگاهی نیز میان برخی از دانشگاه‌های ایران با گرجستان قراردادهایی امضا شده و مبادله دانشجو انجام شده است. تأسیس اتاق‌های فرهنگی، یکی دیگر از محورهای روابط فرهنگی ایران و گرجستان بوده است (همان، ۴۴۳).

## موانع و چالش‌های اصلی روابط ایران و گرجستان

### ۱- رویکرد غرب محور گرجستان

از مهمترین عوامل عدم گسترش روابط ایران و گرجستان، رویکردها و اولویت‌های سیاست خارجی گرجستان است. در این راستا می‌توان گفت اولویت اول تفلیس در سیاست خارجی کشورش نزدیکی به غرب و همکاری ۱۰۷ و همگرایی با آن بلوک در تعاملات و تبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است. باتوجه به اینکه گرجستان در تقسیم‌بندی قاره‌ای جهان، در نقشه جغرافیای سیاسی اروپا قرار گرفته، در درجه اول سعی می‌کند وارد ساختارهای اروپایی شده و خود را در چارچوب آن عرضه نماید. پارلمان و سازمان امنیت و همکاری اروپا دو ساختار و تشکلی است که تاکنون گرجستان به عضویت آنها در آمده و تلاش می‌کند بعنوان یک عضو فعال در این دو ساختار عمل نماید.

البته این عضویت تنها نتیجه تلاش خود تفلیس نیست، بلکه از راهبردهای اصلی اروپا در توسعه و گسترش این قاره می‌باشد، با این حال تفلیس در تلاش است در این عرصه‌ها خودی نشان داده و پر تحرک ظاهر شود. تلاش گرجستان در ایجاد روابط گرم و صمیمی با آمریکا نیز در راستای سیاست تمایل به غرب قابل ارزیابی است و رهبران این کشور در تلاش‌اند تا هم در حوزه‌های سیاسی-امنیتی و هم در عرصه‌های اقتصادی - فرهنگی روابط بسیار خوب و نزدیکی با واشنگتن داشته باشند. چنانچه در این زمینه ساکاشویلی در نشست رهبران ناتو در آوریل ۲۰۰۷ با اشاره به سیاست کنونی گرجستان در تمایل به غرب می‌گوید: «از اقدام‌های تاریخی ما رویکرد به غرب است، این انتخاب نه تنها انتخاب ما، بلکه انتخاب اجداد ماست. تمدن‌های گرجستان

و اروپا آنقدر به هم نزدیک است که به سختی می‌توان تشخیص داد، اروپا ریشه فرهنگی ماست یا برعکس گرجستان، ریشه فرهنگی اروپا».

از دیگر عوامل گزینش رویکرد غرب‌محور از سوی این کشور، می‌توان به دغدغه‌های خاص جمهوری گرجستان برای تامین تمامیت ارضی و تسری حاکمیت ملی به تمام مناطق این کشور اشاره کرد که در تعیین جهت‌گیری سیاست خارجی گرجستان نقش بسزایی دارد. لازم به ذکر است که جمهوری گرجستان از همان ابتدای فروپاشی شوروی با معضل جدایی‌طلبی برخی مناطق خود مواجه بوده است. بطور مشخص جمهوری‌های آجاریا، اوستیای جنوبی و آبخازیا سودای استقلال و جدایی از گرجستان داشتند. از این‌رو بلافاصله پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، موضوع حفظ تمامیت ارضی و جلوگیری از تجزیه گرجستان به مسئله اصلی و محوری برای دولت مرکزی در این کشور تبدیل شد. در این ارتباط حمایت‌های روسیه از جدایی‌طلبان تاثیر به‌سزایی در رویکرد غرب‌محور گرجستان ایفا کرد و این کشور را بر آن داشت تا دیدگاه‌های امنیتی خود را هرچه بیشتر بر مسئله گسترش روابط با آمریکا و ناتو و همچنین پیمان‌هایی همچون ترابوزان و گوام متمرکز سازد. بدین ترتیب گرایش افراطی دولتمردان تفلیس به غرب، گسترش روابط با کشوری همانند ایران را در رده‌های پایینی از اولویت برای این کشور قرار داده و بطور حتم یکی از موانع عمده گسترش روابط این دو کشور به شمار می‌رود و همچنین اتخاذ این رویکرد، مطلوب جمهوری اسلامی نبوده و یکی از منابع نگرانی عمده برای شورمان در سال‌های اخیر محسوب شده است و حتی به اعتقاد تهران، جهت‌گیری غرب‌محور گرجستان، در راستای منافع کلان کشورهای منطقه نیز نیست.

## ۲- گسترش حضور اسرائیل در گرجستان

پس از فروپاشی شوروی گرجستان به برقراری روابط با دیگر کشورها از جمله اسرائیل روی آورد و در تاریخ ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک این دو آغاز شد. تاکنون گرجستان چندین سفیر را به اسرائیل اعزام کرده است. اسرائیل از سال ۲۰۰۰ روابط نظامی و فروش تسلیحات به گرجستان را پس از مهاجرت برخی از شهروندان یهودی گرجستان به اسرائیل و موفقیت آنها در امر تجارت آغاز کرد. پیامدهای گسترش حضور اسرائیل در گرجستان را می‌توان در چند زمینه مورد توجه قرار داد. نخستین پیامد مهم این حضور را باید توسعه دامنه نفوذ و قدرت مانور اسرائیل و به عبارتی بهتر افزایش عمق استراتژیک این کشور در منطقه قفقاز جنوبی دانست. در حالیکه ارمنستان به واسطه روابط سنتی و گسترده با ایران و روسیه، تمایل چندانی به گسترش روابط با اسرائیل نشان نمی‌دهد، تل‌آویو راهبرد توسعه با دو کشور آذربایجان و گرجستان را به صورت توأمان در دستور کار خود قرار داده است. از این‌رو توسعه مناسبات اسرائیل و گرجستان در ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی به معنی افزایش نفوذ کلی اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی خواهد بود. این امر بطور طبیعی پیامدهای

نامطلوبی را برای ایران و روسیه در پی خواهد داشت. پیامد توسعه مناسبات اسرائیل و گرجستان برای ایران، افزایش دامنه حضور اطلاعاتی و لجستیکی اسرائیل در مرزهای شمالی آن خواهد بود که به موازات تشدید مناسبات اطلاعاتی- نظامی باکو- تل آویو می‌تواند از نقطه نظر امنیتی، چالش‌های جدی را برای ایران در پی داشته باشد، ضمن اینکه می‌تواند بر توسعه مناسبات دوجانبه تهران- تفلیس نیز اثر نامطلوبی برجای بگذارد (چنانچه اثر منفی خود را در روابط ایران و آذربایجان برجای گذاشته است). از سویی دیگر، توسعه مناسبات اسرائیل و گرجستان، بر روابط مسکو- تل آویو نیز اثرات نامطلوبی برجای خواهد گذاشت. چنانچه در مقطع اوت ۲۰۰۸ چنین مساله‌ای به خوبی مشاهده شد. تقویت توان دفاعی- امنیتی گرجستان این کشور را در شرایط بسیار مناسب و برتری در قبال مناطق جدایی طلب آبخازیا و اوستیای جنوبی قرار می‌دهد که این امر به هیچ عنوان مطلوب مقامات کرملین نیست (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۱).

### ۳- تعریف سیاست خارجی ایران در قفقاز بر محوریت روسیه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران را واداشت که سیاستی را باتوجه به شرایط جدید در قفقاز تدوین کند. این سیاست حول چند محور شکل گرفت: حفظ امنیت کشور و تمامیت ارضی آن، توسعه دو یا چندجانبه روابط اقتصادی با کشورهای نوپا، تاکید بر اهمیت ژئوپلیتیک ایران از نظر ترانزیت کالا و انرژی برای کشورهای محصور در خشکی برای دستیابی به اهداف ایران، برقراری روابط فرهنگی و سیاسی با اقوام و ملل منطقه. علاوه بر این دولت‌مردان ایران تصمیم گرفتند که سیاست خود را در این زمینه با همکاری نزدیک با روسیه تنظیم کنند. این سیاست بطور همزمان، سیاست نزدیکی به روسیه را دنبال می‌کرد که از ابتدای انقلاب اسلامی و بخصوص بعد از فروپاشی شوروی پیگیری می‌شد. در این زمینه باتوجه به گسترش شکاف در میان روسیه و غرب و توسعه تهدیدات منطقه‌ای علیه دو کشور، روابط دو کشور روندی رو به گسترش بود و عدم توفیق غرب در جذب کامل اقتصادی و سیاسی روسیه و تقاضای قاطعانه رهبران روسیه برای ایفای نقش برتر جهانی باتوجه به نوع روابط ایران و آمریکا، سبب شد دو کشور در مسیر نزدیکی فزاینده قرار گیرند.

در این راستا ایران از چند جهت خواهان بهبود رابطه با روسیه بود: مسکو از شرکای تجاری عمده تهران محسوب می‌شد و در زمینه تسلیحات، تکنولوژی و نیروی هسته‌ای، این کشور می‌توانست نیازهای ایران را تامین کند و علاقمندی این کشور به همکاری با ایران در این زمینه مزید بر علت بود. فروش رآکتورهای هسته‌ای آب سبک به ایران و اتمام نیروگاه هسته‌ای بوشهر از جمله این همکاری‌ها بود. ایران و روسیه نگرانی‌های مشترکی همچون حضور ایالات متحده و ناتو در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز داشتند. بدین ترتیب ایران باتوجه به این موارد و آگاه بودن به حساسیت روسیه به منطقه قفقاز، که این کشور از آن بعنوان

حیات خلوت خود نام می‌برد و همچنین آگاهی به نقش و نفوذ فوق‌العاده روسیه در این منطقه، با در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و منافع این کشور در قفقاز به ایجاد سیاست‌های خود پرداخت.

بعنوان مثال ایران در این منطقه از اتخاذ رویکرد ایدئولوژیک محور که طبعاً می‌توانست نارضایتی روسیه را در پی داشته باشد، اجتناب کرده و عمل‌گرایی را در سرلوحه سیاست‌های خود قرار داد. یکی از مثال‌های استنادی این امر نگاه تهران به مسئله چین است. در طول دوره درگیری روسیه در چین از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰، با اینکه کشورمان ریاست سازمان کنفرانس اسلامی را برعهده داشت، حساسیت کمتری نسبت به بحران چین نشان داده و ترجیح داد که منافع مبارزان چینی را فدای روابط خویش با روسیه که تأمین کننده اصلی سلاح و تکنولوژی هسته‌ای ایران است، نماید. در این زمینه تقریباً قریب به اتفاق کارشناسان این امر متفق‌القولند که ایران در تنظیم و تدوین سیاست‌های خود در این منطقه محوریت روسیه را در نظر داشته و سیاست‌های خود را در راستا و هماهنگی با این کشور اتخاذ می‌کرد. هرמידاس باوند از کارشناسان برجسته سیاست بین‌الملل بر این اعتقاد است که تهران در سال‌های اخیر همواره گرایش شدیدی در بسیاری از مناقشات همچون چین، کوزوو و همچنین گرجستان به سمت روسیه داشته است و سعی کرده در بحران‌های منطقه‌ای همواره طرف مسکو را بگیرد، بعنوان مثال که اگر قرار بود تهران موضع مستقلی را در بحران منطقه‌ای گرجستان داشته باشد، بهتر بود که همچون دیگر کشورهای جهان در مقابل به رسمیت شناختن استقلال مناطق جدایی‌طلب اوستیای جنوبی و آبخازیا از سوی روسیه سکوت نمی‌کرد. اما آیا این امر برای گرجستان که از زمان استقلال، روسیه را بعنوان دشمن خود و همچنین عامل اصلی ناآرامی در مناطق جدایی‌طلب خود خطاب کرده، مطلوب خواهد بود؟ آیا باتوجه به اینکه در سال‌های اخیر، روابط کاملاً تنش‌زایی میان گرجستان و روسیه حکمفرما بوده و حتی این امر به درگیری اوت ۲۰۰۸ میان این دو کشور منجر شد، (که در پی آن با به رسمیت شناختن استقلال این دو جمهوری خودمختار آبخازیا و اوستیای جنوبی توسط روسیه و ساخت پایگاه‌های دائمی در خاک آنها، که منجر به قطع روابط تفلیس با مسکو گشت)، گسترش روابط ایران و روسیه می‌توانست منافع این کشور را در نظر داشته باشد؟ بنابراین این موضوع نیز یکی از مهمترین عواملی بوده که بعنوان مانع اصلی در بهبود و گسترش روابط این دو کشور عمل کرده است (گمانه‌زنی‌ها درباره آینده روابط ایران و گرجستان، سایت باشگاه اندیشه).

#### ۴- رابطه ناتو و گرجستان

از سال ۱۹۹۴، گرجستان در برنامه مشارکت برای صلح (PfP) شرکت کرده است. در سال ۱۹۹۵ اولین برنامه مشارکت فردی ناتو-گرجستان (IPP) شامل فعالیت‌هایی در زمینه‌های مختلف جهت همکاری شکل گرفته است. در سال ۱۹۹۶، برای اولین بار گرجستان در برنامه آموزشی مشارکت برای صلح شرکت کرد. از آن



زمان، گرجستان در تعدادی از آموزش‌ها و تمرین‌های نظامی مشارکت داشته است (دهقانی فیروزآبادی، پیشین: ۱۰۲).

#### ۵- روابط گرجستان با روسیه

روسیه رقیب دیگر قدرت منطقه‌ای ایران که منطقه قفقاز و به خصوص گرجستان را به دلیل داشتن مرزهای مشترک حیات خلوت خود می‌داند، از دیگر محدودیت‌های موجود در روابط ایران و گرجستان است. بی‌تردید روسیه نیز به دلایل مختلف راهبردی، ژئواکونومیکی و امنیتی می‌خواهد از تمام اهرم‌های خود برای حفظ اولین و حیاتی‌ترین منطقه نفوذ خود - به خصوص گرجستان - استفاده کند. به همین سبب حضور ایران در منطقه باتوجه به پیوندهای فرهنگی و دینی برای روسیه بسیار نگران کننده است و همواره به آن بعنوان یک رقیب می‌نگرد. هرگونه همکاری‌های راهبردی با گرجستان نگرانی‌های جدی روسیه را بر می‌انگیزد. بعنوان نمونه وقتی ایران آمادگی خود را برای کمک به گرجستان در امر گاز، در پی بحران انفجار خط لوله گاز روسیه در زمستان ۲۰۰۳ اعلام کرد، روسیه فشارهای مختلفی را برای قطع اینگونه همکاری‌ها ایجاد کرد (امیراحمدیان و عسگری، پیشین: ۸).

#### ۶- روابط گرجستان با آمریکا

حضور آمریکا بعنوان قدرت فرامنطقه‌ای: آمریکا بعنوان یکی از بازیگران قدرتمند و با نفوذ، از جمله عوامل محدودیت‌ساز در روابط ایران و گرجستان است. آمریکا در پی فروپاشی شوروی تلاش کرد کشورهای اقماری شوروی را به شکل‌های ممکن زیر نفوذ قدرت خود قرار دهد تا بتواند ساختار آتی نظام بین‌الملل را نظام تک‌قطبی با سلطه قدرت هژمون بسازد. آسیای مرکزی و قفقاز از جمله مناطقی بود که آمریکا با نفوذ خود به دنبال تأمین منافع کوتاه مدت (منافع سیاسی و اقتصادی) و درازمدت (تثبیت سلطه) خود بود. گرجستان بیشتر به دلایل استراتژیکی و ژئوپلیتیکی پیش از پیش مورد توجه آمریکا قرار گرفت. همین امر موجب شد آمریکا برنامه‌های مختلفی مانند دسترسی به مسیر انتقال انرژی، انزوای جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از نفوذ روسیه و حمایت از هم‌پیمان‌های خود، ترکیه و اسرائیل را برای رسیدن به هدف‌های خود در گرجستان دنبال کند. نفوذ تأثیرگذار آن بر ساختارهای قدرت گرجستان موجب شد روابط ایران و گرجستان با محدودیت‌هایی روبرو شود. گرجستان بعنوان دروازه ورودی قفقاز، راهبرد سیاست خارجی و امنیتی خود را در قالب پیوستن به ناتو و اتحادیه اروپا تعریف می‌کند. مقام‌های تفلیس بر این عقیده هستند که عضویت در ناتو نه تنها اعتباری برای این کشور محسوب می‌شود، بلکه امنیت این کشور کوچک و آسیب‌پذیر را در مقابل

روسیه تضمین خواهد کرد و به دنبال آن، میزان ثبات سیاسی در جامعه با حمایت از روند دموکراسی توسط غرب افزایش می‌یابد (شفیعی، ۱۳۹۰: ۵۸-۳۹).

بطور کلی تهران از دولت‌هایی که آنها را به واشنگتن نزدیک می‌داند دوری می‌جوید. با در نظر داشتن عامل آمریکا، الگویی از روابط دوجانبه تهران در قفقاز جنوبی به دست می‌آید. جالب اینجاست که این استدلال نه تنها در مورد کشورهای مختلف قفقاز خصوصاً گرجستان، بلکه در مورد دولتمردانی که در هر یک از این کشورها به قدرت می‌رسند نیز صحیح به نظر می‌رسد. در نتیجه روابط ایران با گرجستان در دوره شواردناده نزدیک‌تر از دوره گامساخوردیا بود (عطایی، پیشین: ۱۳۴).

### نتیجه‌گیری

گرجستان به جهت‌های مختلف از موقعیت جغرافیایی ویژه و برجسته‌ای برخوردار است. هرچند ایران به این مهم آگاه بود ولی به نظر می‌رسد گام‌های جدی برای استفاده از این فرصت‌ها برنداشته و به عبارتی غفلت کرده است. در اصل ایران و گرجستان دارای مشکل خاصی در روابط نبوده و نیستند. تشویق سرمایه‌داران بزرگ ایرانی برای حضور فعال‌تر و اجرای پروژه‌های مهم در گرجستان و کمک و حمایت دولت از بخش خصوصی و دولتی برای حضور در بازار گرجستان جهت سرمایه‌گذاری می‌توانست مسیر توسعه روابط را هموارتر کند. سرمایه‌گذاران ایرانی همواره از ناامنی و نبود ثبات سیاسی در این کشور بعنوان دلایل عدم حضور سخن می‌گویند؛ ولی شرکت‌های روس و ترک بگونه‌ای عمل کرده‌اند که بازار این کشور را تسخیر کرده‌اند. سیاست خارجی ایران در مقابل گرجستان و کل منطقه دراز مدت و مستمر نبوده است. هرگاه توسعه روابط بر گسترش همکاری اقتصادی استوار بوده است، روابط دو کشور با موفقیت همراه بوده و روند رو به رشد داشته است. در غیر این صورت روند نزولی را طی کرده است. حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی و روابط آن با همسایگان در این منطقه، به صورت کلی محدود و کم‌رنگ بوده است. به جزء ارمنستان که جمهوری اسلامی ایران با آن رابطه نزدیک دارد، روابط ایران با جمهوری آذربایجان و گرجستان تا حد مطلوب فاصله زیادی دارد. ایران باید جمهوری‌های قفقاز جنوبی را بعنوان یک فرصت در نظر بگیرد نه بعنوان یک چالش. بطور کلی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری گرجستان برای افزایش همگرایی بیشتر و بهبود روابط خویش بایستی موارد زیر را مدنظر قرار دهند:

موقعیت مناسب ژئوپلیتیکی ایران و گرجستان: جمهوری اسلامی ایران و گرجستان دارای موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خاصی هستند. قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران بین دریای خزر، دریای عمان و خلیج فارس و واقع شدن گرجستان در کنار دریای سیاه و یا قرار گرفتن دو کشور در مسیر تجارت جهانی (جاده ابریشم) و همچنین در مسیر حمل و نقل کالا و انرژی به اروپا و بعنوان دروازه غرب به آسیای مرکزی و قفقاز

جنوبی بر اهمیت دو کشور افزوده است. پس این مهم فرصت و ظرفیت بسیار مناسبی را برای توسعه همکاری-های دو کشور هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح بین‌المللی فراهم کرده است که دو کشور می‌توانند از این بهره‌های خدادادی در جهت منافع ملی خود استفاده کنند.

استفاده از سرمایه‌های ایران: وجود شرکت‌های دولتی و خصوصی ایران و توان آنها برای سرمایه‌گذاری مشترک در گرجستان در زمینه‌های مختلف و نیاز گرجستان به سرمایه‌گذاری خارجی یکی دیگر از فرصت‌ها و امکانات بالقوه‌ای است که تاکنون از سوی دو طرف مورد استفاده قرار نگرفته است و فرصتی مناسب برای گرجستان و حتی ایران است. باید تلاش شود که دو کشور به دلیل اشتراک‌ها و پیوندهای موجود، با یکدیگر روابط گسترده‌تری داشته باشند.

تلقی دو کشور بعنوان کشورهای همسایه: باید تلاش شود که دو کشور به دلیل اشتراک‌ها و پیوندهای زیاد بعنوان کشورهای همسایه همدیگر را مورد پذیرش قرار دهند؛ هرچند این نوع نگاه در اذهان وجود دارد. به هر میزان که به وابستگی متقابل میان ایران و گرجستان بیشتر فکر و راه‌های عملی‌تر انتخاب شود که منافع دو طرف را تأمین کند، امکان همگرایی بیشتر خواهد شد. اشتراک‌های تاریخی و فرهنگی: وجود اشتراک‌های تاریخی، فرهنگی، دینی و حتی زبانی سرمایه بزرگ و عوامل پیوند دهنده خوبی برای دو کشور است که می‌تواند روابط دو کشور را در جهات مختلف تقویت کند.

## فهرست منابع

### فارسی:

- ۱- احمدی لفورکی، بهزاد و میررضوی، فیروزه (۱۳۸۳)، راهنمای منطقه خزر و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، تهران: ابرار معاصر.
- ۲- اخلاقی، عبدالله و عباسی، الهام (۱۳۸۸)، راهنمای تجارت با کشور گرجستان، چ ۱، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۳- الماسی، مسعود و عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۹)، «قفقاز، تعامل یا تقابل»، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی، س ۳، ش ۱.
- ۴- امیراحمدیان، بهرام و عسگری، حسن (۱۳۹۱)، «فهم روابط ایران و گرجستان از زمان اعلام استقلال براساس نظریه‌های روابط بین‌الملل»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، س ۵، ش ۱۰.
- ۵- بزرگمهری، مجید و طباطبایی، سید مهدی (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا ۲۰۱۵»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۳۱، ش ۲.
- ۶- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، مدیریت بحران، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی ریاست جمهوری.

- ۷- جیجلاوا، دیوید (۱۳۹۶)، **ایران و گرجستان**، مترجم: شهرزاد مفتوح، تهران: مرکز مطالعات ایران و اوراسیا.
- ۸- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۳)، **لغت‌نامه دهخدا**، تهران: انتشارات پایپروس.
- ۹- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، «سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، س ۶، ش ۱.
- ۱۰- شفیعی، نوذر (۱۳۹۰)، «جنگ روسیه و گرجستان: زمینه‌ها و محرک‌های اثرگذار»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، س ۴، ش ۹.
- ۱۱- عطایی، فرهاد (۱۳۹۱)، «ایران و کشورهای قفقاز جنوبی»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، س ۵، ش ۱۰.
- ۱۲- غفاریان، وفا و کیانی، غلامرضا (۱۳۸۶)، **راهبرد اثربخش**، چ ۳، تهران: نشر فرا.
- ۱۳- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۱)، «اهداف و منافع اسرائیل در گسترش مناسبات با گرجستان»، **مرکز بین‌المللی مطالعات صلح**.
- ۱۴- کولایی، الهه (۱۳۹۱)، **سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی**، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۵- مومنی، میر قاسم (۱۳۹۴)، «لغو روادید ایران و گرجستان و فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی روابط»، **مرکز بین‌المللی مطالعات صلح**.
- ۱۶- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، **نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل**، مترجم: حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

## لاتین:

- 1- Amanda, Paul (2015). Iran's Policy in the South Caucasus between Pragmatism and Realpolitik. *European Policy Centre (EPC)*.
- 2- Boonstra, bill (2015). The South Caucasus Concert: Each Playing Its Own Tune. *A European Think Tank for Global Action*. FRIDE. No.128.
- 3- CHITADZE, nodin (2012). Geopolitical Interests of Iran in South Caucasus and Georgian-Iranian Relations. *Journal of Social Sciences*. 1(2).
- 4- Grincheva, Nerth (2015). Democracy for Export: Museums Connect Program as A Vehicle of American Cultural Diplomacy. *Curator the Museum Journal*. Vol. 58. No. 2.
- 5- Mankoff, Jack (2012). The Big Caucasus Between Fragmentation and Integration. *Center For Strategic and International Studies (CSIS)*.
- 6- SadeghZadeh, Kild (2008). Iran's Strategy in the South Caucasus. *Caucasian Review of International Affairs*. Vol. 2. No.1.